

ادب دعا، نزد امام خمینی (ره)

احمد عابدی

دعا، خواندن است؛ اما هر خواندنی دعا نیست. اگر مدعو و خواننده شده در اعتقاد داعی دارای مقام و درجه خالقیت و ربوبیت بوده به طوری که موت و حیات و سعادت و شقاوت داعی به دست او باشد در این صورت این خواندن دعا و عبادت است، اما نفس خواندن بدون چنین اعتقادی نه دعا است و نه عبادت. بنابراین قوام و رکن اصلی دعا توجه به توحید در خالقیت و توحید در ربوبیت است.

دعا گاهی به زبان است و زمانی به حالت و دیگر بار به استعداد. و این سه، درجات و مراتبی هستند مترتب بر یکدیگر. آنکه در برخی روایات آمده است که «خدا را خواندم و دعا کردم اما نگفتم چه می خواهم» و یا «می خواهم که چیزی نخواهم» ناظر به دعا با حالت و یا استعداد است. امام خمینی اگر دعای سحر را بهترین دعا می داند، به جهت همین نکته است که در این دعا تنها خدا را خوانده اما چیزی از او طلب نکرده است گرچه اسم هایی که در این دعا به کار برده شده خواسته های انسان را نشان می دهد اما آنچه بر زبان آمده است تنها و تنها نام و یاد خداست و بس.

پاسخ خداوند به دعاهاى مردمان نیز یکسان نیست، برخی تنها از نعمت های الهی بهره مندند و عده ای از خواص از نعمت غیر قابل توصیف «نظر به وجه الله یا رضوان من الله» استفاده می کنند. اگر خداوند به بنی اسرائیل می فرماید: «یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التي انعمت علیکم»^۱ به مسلمانان دستور می دهد که «فاذکرونی اذکرکم». ^۲ یهودیان باید به یاد نعمت های خداوند باشند و مسلمانان به یاد خود خداوند. اگر بهشت شیرین است بهشت آفرین شیرین تر است، بسبب تفاوت ره از کجاست تا به کجا. پاسخ الهی و عطای او به برخی از دعاها جنت افعال است و پاسخی که برخی دیگر می دهد جنت صفات و افعال است و استجاب عده ای دیگر جنت ذات و جنت لقاء است.

دعای هر کس به اندازه معرفت و ارزش اوست. ما در اینجا

ضمن بیان کوتاهی از برخی ادعیه امام خمینی اشاراتی کوتاه به بررسی محتوای آنها داشته و مطالب بلندی را که ضمن این دعاها بیان شده است، فهرست نموده ایم. این دعاها نشان دهنده درجات معنوی و عرفانی گوینده آنهاست.

همیشه دعا با استجاب تلازم دارد و امکان ندارد دعایی مستجاب نگردد، استجاب یعنی پاسخ دادن و همیشه خداوند هر دعایی را پاسخ می دهد گرچه پاسخ تلازمی با برآورده شدن حاجت ذکر شده ندارد و چون استجاب هر دعایی مناسبت کامل با مضمون خود دعا دارد، بررسی دعاهاى امام خمینی نشان دهنده نوع عطاهاى الهی به آن حضرت است.

دعاهای هر کس بیان کننده اهداف و آمال و آرزوها و دغدغه های فکری اوست. تحلیل دعاهاى امام خمینی بیانگر آرمان ها و تمنیات ایشان در طی مراحل سیر و سلوک عرفانی و گذر او را از تمکین و تلوین و

۱. سوره بقره، آیه ۴۷.

۲. همان، آیه ۱۵۲.

رسیدن به تبتّل و انقطاع الی الله و بلکه درجه فناء او را بیان می کند. روایات و احادیثی که از ائمه معصومین (ع) نقل شده اند تفاوتی اساسی با ادعیه آن بزرگواران ندارند؛ زیرا مخاطب روایات نوع مردم بوده و باید با هر کس به مقدار فهم و شعور او صحبت کرد اما مخاطب ادعیه، خدای متعال است به همین جهت معارفی که در ادعیه وجود دارد غالباً در روایات دیده نمی شود. ۳ اگر قرآن مجید، قرآن نازل است و ادعیه مأثوره قرآن صاعد هستند همین تفاوت نازل و صاعد بین گفتارها و نوشتارهای امام خمینی با دعاهای او وجود دارد. گفتارها و نوشتارهای ایشان با دعاهای او هم تفاوت بسیار زیاد مخاطب و سطح مطلب را دارد و هم تفاوت صاعد و نازل بودن را. به این جهت تحلیل و تفسیر کوتاهی از برخی ادعیه آن بزرگوار بیان می کنیم:

«طهارت کامل مخصوص خداوند است»

محتوای هر دعایی باید در درجه اول مدح و ثنای الهی بوده و به تمجید از اسماء و صفات الهی بپردازد، یعنی دعا وقتی دعا شمرده می شود که بیان کننده کمالات بی انتهای خداوند و وابستگی و نیاز انسان و جهان به ذات مقدس الهی باشد، اما حاجت خواستن از ارکان دعا به شمار نمی رود و بلکه بهترین دعا آن است که در آن خداوند خوانده شود، بدون آنکه چیزی از خداوند خواسته شود، همانند دعای سحر. قسمت اعظم دعاهای امام خمینی این گونه است. مثلاً: «خداوندا! پاک تویی و سپاس می گویم ای که آرزوی...» ۴ در این کلام علاوه بر حمد و ثنای الهی اشاره دارد بر سبحان بودن خداوند و نهایت طهارت و پاکی او و به حدیثی که از حضرت امام صادق (ع) ذیل آیه شریفه «وسقیهم ربهم شراباً طهوراً»^۵ نقل شده که فرمود: «تنها خداوند است که از هر نوع آلودگی پیراسته و هیچ گونه دنس و زشتی در او نیست»^۶ به عبارت دیگر تنها خداوند است که ماهیت ندارد و غیر او هر چه هست آلوده به ماهیات امکانی است و همین ماهیات هستند که گرد و غبار آلودگی بر همه موجودات می افشانند:

سیه رویی ز ممکن در دو عالم
جدا هرگز نشد والله اعلم^۷

وحدت شهود

مقام فناء فی الله قلّه بلندی است که کعبه آمال و آرزوهای عارفان و موحدان است. برای فناء فی الله تفسیرهای مختلفی وجود دارد، گاهی فناء به معنی آن است که غیر خدا را ندیدن و در میان جمع بودن و دل جای دیگر باشد. در عین آنکه چشم باز است، ولی غیر خدا را ندیدن. این را می گویند «وحدت شهود» که امام خمینی گاهی در ادعیه خود به آن اشاره دارد؛ مثلاً: «خدایا ما را

از غیر خودت کور کن». ۸ گاهی فناء به معنای وحدت وجود است و انحصار هستی در خدای متعال و اما موجودات امکانی را سراب و دوم چشم احول دانستن یعنی تنها خدای متعال وجود دارد و ممکنات نیز چیزی غیر از اطوار و شئون و تجلیات او نیستند و «کیست که با هستی اش نام هستی برد» قسمتی از دعاهای امام خمینی به این تفسیر از فناء نظر دارد، وقتی عرض می کند: «خداوندا همه چیز تویی و غیر از تو همه هیچ»^۹ این کلام به صورت واضح و روشن هستی را منحصر در خدای متعال نموده و ممکنات را همان ماهیاتی که اعتباری و سراب هستند معرفی کرده است. البته معنای دیگری از فناء نیز می توان بیان کرد و آن اینکه انسان همانند حضرت خلیل الله همه چیز را چون حضرت اسماعیل ذبیح الله به مسلخ عشق برده و آنها را قربانی کند بلکه خود را قربانی کند، آن گونه که آن شخص در روز عید قربان در منی چاقو به دست گرفته و فریاد برآورد که خداوندا! این مردم مال خود را برای تو قربانی و فدا می کنند و من می خواهم خود را فدای تو کنم. سپس چاقو به گردن خود نهاد و خود را ذبح نمود.^{۱۰} این تفسیر از فناء فی الله عبارت از ندیدن خود و فدا نمودن همه چیز خود در راه خداوند است و لذا امام خمینی گاهی می گوید: «خداوند در مسیر خدمت به بندگان ما را تا مرز قربانی خود و فرزندان و هستی مان همراهی و مدد بنما»^{۱۱}

عنقا شکار کس نشود

دعا نوعی عبادت و بلکه رأس عبادات است و عبادت مقدمه ای برای رسیدن به معرفت الهی است. اما معرفت نیز قلّه شامخی است که برای نوع مردم دست نیافتنی است. اگر مقام ذات و غیب الغیوبی و مقام «عماء» را در نظر بگیریم دست همه برای همیشه از لاً و ابداً از آن کوتاه است

عنقا شکار کس نشود دام بازگیر

کانجا همیشه دام به دست است باد را

امام خمینی درباره عدم اکتنا ذات مقدس، و قابل شناخت

۳. ر. ک: صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۷ و ۱۶.

۵. سوره انسان، آیه ۲۱.

۶. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۱۲.

۷. شبستری.

۸. شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۷۹.

۹. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۷.

۱۰. بین فقهای بزرگ شیعه در مورد عمل این شخص اختلاف نظر وجود داشته برخی عمل او را تخطئه کرده و برخی او را تأیید کردند.

۱۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۴۴.

نبودن آن عرض می‌کند: «ای که آرزوی عارفین به قله کمال احدیتش نرسد و اندیشه پویندگان از وصول به کبریای مقدسش کوتاه، عظمت والاتر از آنکه برای ورود به آن راهی یابد و اسمائت میرا از آن که به دام پندار متفکرین آید...»^{۱۲}

مقام جمعی خاتم

با دقت در دعای فوق معلوم می‌شود که به نظر ایشان نه تنها ذات مقدس دست نیافتنی است و هر اندیشه و فکری از حضور در آن بازگام محروم است بلکه حتی حقیقت اسماء و صفات الهی نیز در حجاب هستند، یعنی خود اسماء و صفات حجاب ذات مقدس بوده و بلکه خود اسماء نیز در حجاب می‌باشند و لذا ما نه ذات مقدس الهی را می‌شناسیم و نه اسماء الهی را. تنها چیزی که برای ما ممکن است و می‌توانیم قدم‌هایی لرزان و کوتاه در مسیر شناخت آن برداریم «اسم اسم» است، یعنی اسم ملفوظی نه اسم حقیقی. زیرا اسم حقیقی که اسم مستأثر است که همیشه غیب است، و اما اسم اعظم حقیقی دارد که چیزی جز حقیقت خاتم (ص) نیست و آن نیز برای ما روشن نمی‌باشد. امام خمینی می‌گوید: «ما را به صراط مستقیم که همان برزخیت کبری و مقام احدیت جمع اسمای حسناست راهبر باش، درود فرست بر مبداء ظهور و غایت و صورت اصل وجود و ماده، آنکه هیولای اولی و برزخیت کبری است، آنکه نزدیک شد و تعینات را رها کرد، سپس فرود آمد و فاصله‌اش به اندازه دو قوس وجود و دایره غیب و شهود شد یا نزدیک تر که همانا مقام عماء بلکه «مقام است»^{۱۳} در اینجا همان گونه که روشن است، امام خمینی مقام عماء را به مقام لامقامی انسان کامل و حقیقت رسول خاتم تفسیر کرده است. یعنی معتقد است که حتی حقیقت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز برای ما در حجاب بوده و هرگز قابل شناخت ما نمی‌باشند. ضمناً در دعای فوق، امام خمینی پیامبر (ص) را با صفات ذیل معرفی کرده است:

الف. آن حضرت صراط مستقیم است چرا که مسئله اتحاد علم و عالم و معلوم اتحاد صراط و سالک و مقصد را نیز ثابت می‌کند و معصومین (ع) خود، صراط مستقیم اند.

ب. مقام برزخیت کبری مخصوص آن حضرت است. نه برزخ بین غیب و شهادت که این ارث عالمان امت پیامبر خاتم است بلکه برزخیت بین غیب الغیوبی و مقامی که لا اسم له و لا رسم است و بین مقام احدیت جمعی.

ج. پیامبر (ص) هیولای اولی و ماده المودای است که تمام عالم ممکنات چون صورت‌ها و عرض‌هایی هستند که وابسته به او هستند. آن حضرت است که گر نازی کند در هم فرو ریزند

قالب‌ها. و به تعبیر دیگر او رقی منشور همه عالم است و همه چیز وابسته به اوست آن گونه که تمام اعراض وابسته به جواهرند.

د. پیامبر (ص) صاحب مقام «تدنی»، «تدلی»، «قاب قوسین»، «او ادنی» است و در اینجا امام خمینی این چهار اصطلاح را این گونه تفسیر می‌کند که تدنی رفض تعینات است و تدلی همان تعین اول است، قاب قوسین ظاهر و باطن قوس وجود غیب و شهود است و مقام او ادنی، لامقام بودن انسان کامل است.

ه. حقیقت خلافت و ولایت یا خلیفة الله همان است که در این دعای امام خمینی آمده است. با توجه به آنچه گذشت روشن است که امام خمینی چگونه پیامبرشناسی و درجات و مقامات عرفانی رسول خاتم (ص) را در یک دعا خود آورده است. شبیه این کلمات که بیان‌کننده ولایت و ائمه اطهار (ع) است در ادعیه ایشان فراوان آمده است، و از آنها صرف نظر شده آنها به نکته ای از ایشان در باره حضرت مهدی (عج) اشاره می‌کنیم، «درود بر خاتم ولایت محمدی و مقبض فیوضات احمدی که پس از ظهور پدرانش به عبودیت، خود مظهر ربوبیت خواهد شد و به راستی عبودیت گوهری است که کنه آن ربوبیت است»^{۱۴}. امام خمینی پس از معرفی عرفانی مقام امامت و ولایت، حضرت مهدی (ع) را مظهر ربوبیت الهی می‌داند و سایر امامان (ع) را مظهر عبودیت، و اشاره می‌کند به حدیث «العبودية جوهره کنهها الربوبية»^{۱۵} عبودیت در اینجا کنایه از «عبادت»، «بینونت از غیر خداوند»، «دنو و نزدیکی به مقام جمع الجمعی و بلکه اتحاد با آن» است. باید توجه داشت که رسول خدا «عبده» است و امامان (ع) «عبدالله» اند، حضرت مهدی (ع) ربوبیت خداوند را تجلی می‌بخشد و ظهور آن حضرت است که ربوبیت را معنا می‌کند و مردم را به کمال لایق رساننده و جامعه آرمانی اسلامی و آرمانشهر دینی را تحقق می‌دهد و این همان ربوبیت است که حضرت مهدی (ع) آن را به منصفه ظهور می‌رساند. البته از دیدگاه امام خمینی در حضرت مهدی (ع) ربوبیت ظهور و عبودیت بطون دارد و در پدرانش (ع) عبودیت ظهور و ربوبیت بطون دارد.

با توجه به آنچه گذشت معلوم شد که امام خمینی مطالب بلند عرفان و اعتقادات عرفانی را در قالب دعا بیان کرده‌اند. تأمل در این دعاها نیاز به آگاهی و تدبیر فراوان در مباحث عرفان نظری دارد، مثلاً وقتی می‌گوید: «خدایا تو پاک و منزهی، ای آنکه آمال عارفان به اوج کمال احدیتش نرسد، و او هام و اصفان از رسیدن به

۱۲. همان، ج ۱، ص ۷.

۱۳. همان، ص ۱۷.

۱۴. همان.

۱۵. مصباح الشریعه، باب صدم.

کبریای هویتش عاجز ماند، عظمتت والا تر از آن است که راه ورود بر واردی دهد، و الای تو مقدس تر از آنکه محمود حامدی شود، اولیت در عین آخریت و آخریت در عین اولیت تو راست، پس تویی که پرستیده و پرستنده ای»^{۱۶}، در این کلام نه تنها مقام ذات و غیب الغیوبی را خارج از تعلق علم و معرفت دانسته و این را نوعی سبحان و مقدس بودن خداوند دانسته که دست عقل هیچ مخلوقی به او راه ندارد بلکه حتی خداوند را در مرتبه احدیت قابل شناخت عرفانی نمی داند، و کسی قدرت توصیف او را ندارد. بلکه حتی نعمت های الهی نیز فراتر از آن هستند که متعلق حمد قرار گیرند، اگر اتحاد عقل و عاقل و معقول صحیح است اتحاد ذکر و ذاکر و مذکور نیز صحیح است آنگونه که اتحاد صراط و سالک و مقصد نیز واقعیت است، مکاشفه میرداماد که در سلافة العصر آمده در بیان ذکر شریف «یا غنی یا مغنی» مؤید همین مدعا است.

دعایی که نقل شد، نشان می دهد که معارف قرآن و ترجمه آیات شریفه الهی پشتوانه اصلی و مضمون و نقطه اصلی ادعیه حضرت امام است، آیات اول سوره حدید و گاهی آیات شریفه سوره «والنجم» یا سوره نور را ترجمه یا اقتباس نموده و در قالب دعا بیان کرده است. بنابراین دعا نه تنها به مدح و ثنای الهی باید پردازد بلکه اعتقادات و مضامین قرآن که کلام خداوند است باید در آن گنجانده شود، همچنان که گاهی دعاهای امام ترجمه ادعیه شریفه ای است که از ائمه (ع) نقل شده مثلاً وقتی می گوئیم: خداوند دل وابسته ما به دنیا را از این تعلقات و وابستگی ها رهایی بخش، و آن را به عزت قدس خود آراسته نما^{۱۷}، در واقع جملات مناجات شعبانیه را زمزمه نموده ایم.

رابطه غیب و شهود

یکی از بحث های عرفان عدم مشابَهت غیب و شهود در عین پیوند و ارتباط آنها با یکدیگر است در دنیا آتش این جهانی ابتدا پوست را می سوزاند و سپس درون و باطن را، برعکس آتش آخرت که ابتدا دل را می سوزاند و سرانجام به پوست می رسد. حضرت امام می فرماید: «پناه می برم به خدا از عذاب و فشار قبر و عذاب برزخ که در این عالم هیچ چیز به آن شباهت ندارد»^{۱۸}.

مسئله رابطه انسان و جهان با خدای متعال و تحلیل این رابطه همیشه دغدغه فکر بشر بوده و متکلمان و فیلسوفان بسیاری به بحث از آن پرداخته اند. متکلمان این رابطه را با عنوان «اثر و مؤثر» و فیلسوفان با «علت و معلول» و گاهی با «واجب و ممکن» تفسیر کرده اند. امام خمینی در ادعیه خود رابطه انسان و خدا و بلکه جهان و خدا را رابطه فقیر و غنی می داند. غنی آن است که در ذات و صفات و افعال خود نیاز به چیزی نداشته و همه چیز محتاج

او باشد. بنابراین اگر چیزی یافت شود که به او محتاج نبود در واقع آن غنی، غنی مطلق نخواهد بود و به همین وسیله پاسخی به شبهه این کمونه داده می شود، و در مقابل آن فقیر یعنی موجودی که یا در ذات خود یا در صفات و افعال خود محتاج به دیگری باشد. امام خمینی در این ادعیه ای که دارد همیشه به نقض ذاتی و تکوینی انسان توجه داده و اینکه ما نه تنها فقیریم بلکه عین فقر و وابستگی به خدای متعال می باشیم: «خداوندا، بارالها ما دستمان از همه چیز کوتاه و خود می دانیم که ناقص و ناچیزیم...»^{۱۹} «خداوندا تو غنی ای و غیر از تو همه فقیر»^{۲۰} بنابراین انسان و جهان در همه افعال و سکنتات بلکه در تار و پود وجود خود آن به آن نیاز به خداوند داشته و عین وابستگی به آن ذات مقدس می باشند. دیگر جهات ضعف انسان که در ادعیه حضرت امام مورد اشاره قرار گرفته عبارتند از:

ضعف و عجز از شکر، عجز از فهم علمی حجب، عجز از خرق حجاب ها، ضعف در هدایت، ناتوانی در برابر شیطان و وسوسه های او، ضعف از عبادت و تسبیح، ضعف در سیر و سلوک و ...

و اما خواسته های امام خمینی از خدای متعال در محورهای ذیل خلاصه می شوند:

- الف. اصلاح جامعه مسلمانان و تنبّه آنان نسبت به مسائل شرعی.
- ب. رفع ظلم و تبعیض.
- ج. قیام مظلومان و محرومان، و آرزوی پیروزی مسلمانان فلسطین.
- د. استعانت از خداوند در هدایت، در جهاد، در انجام وظیفه.
- هـ. رفع حجاب ها و تراب جبل انیت.
- و. رسیدن به حقیقت توحید و دوری از شرک و نفاق.
- ز. تخلق به مکارم اخلاقی.

ح. آرزوی وصول به درجه فناء و سوختن خود.

ط. بیداری از خواب غفلت و جهل.

ی. استعاذه از شر شیاطین جنی و انسی.

هر کدام از موارد فوق نیاز به شرح و بسط فراوان دارد که چگونه آنچه را حضرت امام درخواست نموده جنبه شخصی نداشته و در واقع دعا برای مردم و مسلمانان است نه برای خود، اما به دلیل کمی فرصت از آن صرف نظر می گردد. خداوند ما ادب دعا را بیاموز.



۱۶. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶.
 ۱۷. ر. ک: آداب الصلوة، ص ۳۸۰.
 ۱۸. چهل حدیث، ص ۴۸۱.
 ۱۹. همان، ص ۲۲۵.
 ۲۰. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۷.